

9. ماهیت شناسی انتخابات و آثار آن¹

براساس مشروعیت رای مردم و شرعیت بخشی آن به حکومت بر ایشان در شئون مرتبط با آن ها (=حاصل تحقیق قبل) پرسش هایی مطرح است؛ از این قبیل:

بیان چند پرسش

1. ماهیت رای دادن مردم چیست؟ وکالت؟ بیعت؟ یا پدیده جدیدی است؟
2. آثار این پدیده چیست؟ مثلا بنا بر انگاره توکیل، آیا لوازم وکالت شرعی به طور کامل مترتب است؟
3. آیا رای اکثریت مجوز حکومت بر اقلیت نیز است؟
4. رای مردم در محدوده امور مرتبط با فرد ایشان است لکن چنان چه بر عدم اجرای حکمی از شریعت اصرار داشته باشند، این اصرار چه اثری دارد؟ وظیفه حاکمیت در این باره چیست؟²

تحقیق با پاسخ به پرسش های فوق

مطابق معمول، تحقیق در مساله با بیان چند امر سامان می یابد؛ بدین ترتیب:

- در گذشته، راجع به رابطه کارگزاران نظام و مردم³ و ماهیت شناسی بیعت⁴، مطالبی بیان شد، چنان که در پیوند با ماهیت انتخابات - تتبعا و تحقیقا - مباحثی در کتاب «فقه و حقوق قراردادها/ادله عام قرآنی»⁵ ارائه گردیده و آن چه در مجال حاضر مورد اشاره قرار میگیرد خلاصه و نتیجه نهایی آن گفتگو است. توجه کنید:
- اشکالات تحلیل نمایندگی مجلس، ریاست جمهوری و امثال آن، به وکالت فقهی با احکام ویژه ای که دارد، بیش از این ها است.⁶ وقتی نماینده ای برای مردمی تصمیم می گیرد که به او رای نداده اند، چگونه می توان بر وی عنوان «وکیل» اطلاق کرد؛ هر چند به معنای وسیع و لغوی آن؟

از این رو، دو گزینه در مورد انتخابات و نمایندگی وجود دارد:

1. این بحث را در کنار مبحث سیزدهم مذکور در صفحات 113 و 114 باید دید.
2. پرسش اخیر، به تناسب و استطراد مطرح شده است تا حواشی مناسب مساله مورد گفتگو نیز دیده شود.
3. ص 61 و 62 (برخی اسناد دال بر انگاره وکالت...)
4. صص 65-68.
5. صص 127-131.
6. در کتاب به تفصیل، اشکالات و بیان های مخالفان، نقل شده است.

گزینه اول این که گفته شود: این امور تاسیساتی است مستحدث با ماهیتی مستقل که به دلیل وجود مصالح و حفظ نظام نوع انسانها و مملکت، سامان یافته است. «ترتیبی است منظم و میزانی است منضبط در امور سیاسی و مصالحه عامه ملکیه»⁷ و چنان که گفتیم، به نظر می رسد محقق نایینی در تحلیل نمایندگی به این نکته رسیده است.

گزینه دوم این که گفته شود: این مورد را از مصادیق وکالت، اما نه با نگاه خرد و شخصی بلکه با نگاه کلان با احکام ویژه (از قبیل لزوم و عدم حق فسخ) ، بدانیم.

به نظر میرسد با وجود اینکه گزینه اول، قابل دفاع و توجیه است؛ گزینه دوم غیر قابل دفاع است. فاعل⁸ با توجه به گزینه اول، انتخابات (با انواع و اقسام آن) عقد و عهدهی است مستقل و داخل در آیه و تا زمانی که نماینده مصلحت مردم را رعایت می کند ، و شرایط نمایندگی را دارد ، قابل فسخ نیست؛ مگر این که زمان آن منقضی شود، یا انتخابی جدید صورت پذیرد. نمایندگی باقی است، حتی وقتی که انتخاب کنندگان ، یا عده ای از آن ها عوض شوند.

البته این سخن مثبت عقد و عهد بودن انتخابات بین منتخب و انتخاب کنندگان است؛ لکن در انتخابات، رابطه ای دیگر نیز مطرح است و آن رابطه منتخب با مثل مردم روستا ، شهر یا کشوری است که به وی رای نداده و با او عقد و عهدهی نبسته اند؛ لکن در آن روستا، شهر و کشور زندگی می کنند و فرد منتخب، نماینده آن ها نیز به شمار می رود؛ بر آن ها نیز حقوقی دارد و در مقابل ایشان مسئول است. این رابطه را با نگاه فردی به «اوفوا بالعقود» به عنوان عقد و عهد بین دو طرف، نمی توان حل کرد. راه حل، تعریفی اجتماعی و قراری جمعی از «عقد و عهد» است، تا بتواند این رابطه را معنا کند. به این نکته نیز باید توجه کرد که در تحلیل این بحث ، قبل از هر چیز، باید رویکرد محقق به اصل حکومت و دولت، معلوم گردد؛ به عنوان مثال: رویکرد «انتصاب» و انحصار ولایت به خداوند ، اقتضائاتی دارد که رویکرد «قراردادگرایی» آن اقتضائات را ندارد و بالعکس رویکرد دوم، لوازمی دارد که روی آورد اول فاقد آن است. واضح است که انتظار بحثی بیش از این در این تحقیق، انتظاری بجا نیست. جویندگان باید مطالب مرتبط با تاسیسات فوق را در متون ویژه گفتگو از آنها، جستجو کنند.

متن فوق که حال و هوای نظارت بر «اوفوا بالعقود» بر آن حاکم است ، به دلیل نظارت گفتگو در آن کتاب، بر این کریمه است و الا میتوان اسناد دیگری را بر مستقل انگاری انتخابات، مطرح کرد. اسنادی چون:

«انما الخیار للناس قبل ان یبایعوا و ان یبایعوا فلا خیار لهم و ان علی الامام الاستقامة و علی الرعیة التسلیم»⁹؛

«لأنها بیعة واحدة لا یتثنی فیها النظر ولا یتأنف فیها الخیار الخارج منها طاعن و المرؤی فیها مدهن»¹⁰.

البته گفتگوی ما از بیعت به قصد اعلام وفاداری و تسلیم در مقابل حقوق و تکالیف متقابل نیست، لکن میتوان از روح و لب سخن حضرت امیر علیه السلام در موضوع مورد گفتگو بهره برد (با این تحقیق به دو پرسش اول از پرسش های گذشته، پاسخ داده شد).

7 . منبع سخن در کتاب فقه و حقوق قراردادها/ادله عام قرآنی، باورقی سوم درص 130.

8 . اشاره به نامسلم بودن عدم امکان گزینه دوم است و این البته در گرو بازخوانی پرونده وکالت است. کاری که در مسائل سیاسی، اقتصادی و ... در صورت رسیدن به یک قرار در این باره و اخذ نتیجه موسع و نه مضیق - البته با فرایند طبیعی - به غایت مفید می نماید.

9 . محمد بن محمد بن النعمان (شیخ مفید) ، الارشاد ، ص 130.

10 . نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، نامه 7، ص 843.